



تقریرات دروس خارج فقه

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرس طباطبایی یزدی (دامت برکاته)

سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳

جلسه ی نود و هفتم؛ دوشنبه ۱۳۹۴/۲/۷

بررسی وثاقت محمد بن عیسی بن عبید یقطینی

محمد بن عیسی بن عبید، شخصیت معروفی در بین روایات است که روایات زیادی نقل کرده خصوصاً از طریق یونس بن عبدالرحمن. در کتب مادر رجالی (یعنی رجال کشی، رجال نجاشی، رجال شیخ طوسی و الفهرست) صریحاً یا ضمناً مطالبی در مورد ایشان وارد شده است. جناب کشی و نجاشی ایشان را توثیق کرده‌اند اما شیخ طوسی رحمته به تبع مرحوم صدوق و استاد صدوق رحمتهما، ایشان را تضعیف کرده است. طبق قاعده‌ی اولی نه وثاقت ایشان اثبات می‌شود و نه ضعفش؛ چراکه توثیق و تضعیف ایشان با هم تساقط می‌کند و در نتیجه مجهول می‌شود، اما آیا راه حلی برای اثبات وثاقت ایشان وجود دارد؟

برای بررسی وثاقت ایشان ابتدا کلمات شیخ طوسی را ذکر می‌کنیم و سپس کلام مرحوم کشی و نجاشی رحمتهما.

کلام شیخ طوسی رحمته در تضعیف محمد بن عیسی بن عبید

شیخ طوسی رحمته در چند مورد در کتب رجالی (الفهرست و رجال شیخ طوسی) و نیز کتب فقهی خود (الاستبصار) محمد بن عیسی بن عبید یقطینی را تضعیف کرده است.

۱. کلام شیخ طوسی رحمته در الفهرست

شیخ طوسی رحمته در مورد ایشان در الفهرست^۱ می‌فرماید:

۱. همان‌طور که می‌دانید کتاب الفهرست، به قصد اولی برای رجال نوشته نشده بلکه جناب شیخ در صدد جمع آوری فهرست کتب شیعه بودند

محمد بن عیسی بن عبید الیقطنی ضعیف استثناء أبو جعفر محمد بن علی بن بابویه عن رجال نوادر الحکمة و قال لا أروى ما يختص بروایاته [بروایتته]، و قيل إنه كان يذهب مذهب الغلاة، له كتاب الوصايا، و له كتاب تفسير القرآن، و له كتاب التجمال و المروة، و كتاب الأمل و الرجاء، أخبرنا بكتبه و رواياته جماعة عن التلعكبري عن ابن همام عنه.^۱

محمد بن عیسی بن عبید یقطنی ضعیف است و مرحوم صدوق رحمته الله (محمد بن علی بن بابویه) ایشان را از رجال نوادر الحکمة استثناء کرده و فرموده است: آنچه که فقط از طریق ایشان رسیده است را روایت نمی‌کنم. و گفته شده که مذهب غلاة را داشت. برای ایشان است کتاب وصیت، کتاب تفسیر قرآن و...

همان‌طور که شیخ طوسی رحمته الله در الفهرست فرمود، شیخ صدوق رحمته الله آقای محمد بن عیسی بن عبید رحمته الله را از رجال نوادر الحکمة استثناء کرده است. «نوادر الحکمة» کتاب آقای محمد بن احمد بن یحیی بن عمران الأشعری القمی است که عالم معروفی بوده و بسیاری از روایات شیعه از طریق ایشان به دست ما رسیده است. برای این‌که معلوم شود که چرا مرحوم صدوق روایات محمد بن عیسی بن عبید را استثناء کرده، مناسب است شرح حال محمد بن احمد بن یحیی بن عمران در الفهرست را بخوانیم:

محمد بن أحمد بن یحیی بن عمران الأشعری القمی، جلیل القدر، کثیر الروایات، له کتاب نوادر الحکمة و هو یشتمل علی کتب جماعة، أولها کتاب التوحید، و کتاب الوضوء، و کتاب الصلاة، و کتاب الزکاة، و کتاب الصوم، و کتاب الحج، و کتاب النکاح، و کتاب الطلاق، و کتاب الأنبياء، و کتاب مناقب الرجال، و کتاب فضل العرب، و کتاب فضل العریبة و العجمیة [العجمیة و العریبة و کتاب الوصایا و الصدقة، و کتاب النحل و الهیات] الهیة و کتاب السکنی، و کتاب الأوقات، و کتاب الفرائض، و کتاب الأیمان و الذور و الکفارات، و کتاب العتق و التدبیر و الولاء و المکاتب و أمهات الأولاد، و کتاب الحدود و الدیات، و کتاب الشهادات، و کتاب القضايا و الأحکام، العدد اثنان و عشرون کتابا.

شیخ طوسی رحمته الله محمد بن احمد بن یحیی بن عمران الأشعری را توثیق کرده و ایشان را «جلیل القدر» معرفی می‌کند. سپس می‌فرماید: ایشان کتبی داشته از جمله نوادر الحکمة که خود مشتمل بر کتب فراوانی است که در مجموع بیست و دو کتاب را نام می‌برد و سپس طرق خود به جمیع کتب و روایات ایشان را

و در ضمن آن، ترجمه‌ی بعضی روایات هم ذکر شده است.

۱. الفهرست (للشیخ الطوسی)، ص ۱۴۰.

چنین بیان می‌کند:

أخبرنا بجميع كتبه و رواياته عدة من أصحابنا عن أبي المفضل عن ابن بطة القمي عن محمد بن أحمد بن يحيى، و أخبرنا بها أيضا، الحسين بن عبيد الله و ابن أبي جيد جميعا عن أحمد بن محمد بن يحيى عن أبيه عن محمد بن أحمد بن يحيى، و أخبرنا بها جماعة عن أبي جعفر ابن بابويه عن أبيه، و محمد بن الحسن عن أحمد بن إدريس، و محمد بن يحيى عنه.

شیخ طوسی رحمته الله سه طریق به جمیع کتب و روایات ایشان ذکر می‌کند که طریق اول و دوم ناتمام است اما طریق سوم قابل تصحیح است؛ زیرا هرچند نمی‌دانیم جماعتی که برای شیخ طوسی نقل کرده‌اند چه کسانی هستند، اما اطمینان وجود دارد که در بین آنها ثقه وجود دارد از جمله شیخ مفید رحمته الله و نیز حسین بن عبیدالله در بعضی مراتب، ولی فعلاً ما درصدد بررسی طرق ایشان نیستیم و در جای خود آمده است. شیخ طوسی رحمته الله در ادامه کلام شیخ صدوق رحمته الله را نقل می‌کند که طرقی را از روایات محمد بن احمد بن يحيى استثناء می‌کند:

و قال أبو جعفر بن بابويه إلا ما كان فيها من غلو أو تخليط و هو الذي يكون طريقه محمد بن موسى الهمداني أو يرويه عن رجل أو عن بعض أصحابنا أو يقول و روى أو يرويه عن محمد بن يحيى المعاذي أو عن أبي عبد الله الرازي الجاموراني أو عن السيارى أو يرويه عن يوسف بن السخت أو عن وهب بن منبه أو عن أبي علي النيشابوري أو أبي يحيى الواسطي أو محمد بن علي الصيرفي أو يقول وجدت في كتاب و لم أروه، أو عن محمد بن عيسى بن عبيد بإسناد منقطع ينفرد به أو عن الهيثم بن عدى أو عن سهل بن زياد الآدمي أو عن أحمد بن هلال، أو عن محمد بن علي الهمداني، أو عن عبد الله بن محمد الشامي أو عن عبد الله بن أحمد الرازي أو عن أحمد بن الحسين بن سعيد أو عن أحمد بن بشير الرقي (البرقي خل) أو عن محمد بن هارون أو عن ممويه بن معروف أو عن محمد بن عبد الله بن مهران أو ينفرد به الحسن بن الحسين بن سعيد اللؤلؤي أو جعفر بن محمد الكوفي أو جعفر بن محمد بن مالك أو يوسف بن الحارث أو عبد الله بن محمد

الدمشقي.^١

١. الفهرست (للشيخ الطوسي)، ص ١٤٤.

مرحوم صدوق رحمته می‌فرماید: [من تمام کتب و روایات محمد بن احمد بن یحیی را نقل می‌کنم] مگر آنچه در آن غلو یا تخلیط باشد که همان روایاتی است که از طریق محمد بن موسی الهمدانی رسیده، یا روایاتی که ایشان «عن رجل» نقل کرده یا روایاتی که «عن بعض اصحابنا» نقل کرده یا آنچه که گفته «روی» یا روایاتی که از محمد بن یحیی المعاذی نقل شده ... یا روایاتی که از محمد بن عیسی بن عبید به اسناد منقطع نقل کرده که فقط ایشان نقل کرده یا روایاتی که از طریق هیثم بن عدی یا سهل بن زیاد الآدمی یا احمد بن هلال یا محمد بن علی الهمدانی یا عبدالله بن محمد الشامی و ...

شاهد ما عبارت «أو عن محمد بن عیسی بن عبید باسناد منقطع ینفرد به» است که از جمله طرقی که مرحوم صدوق استثناء می‌کند، روایاتی است که از طریق محمد بن عیسی بن عبید به اسناد منقطع نقل شده و متفرد هم باشد یعنی فقط ایشان نقل کرده و از طریق دیگری نقل نشده باشد. احتمال ضعیفی هم وجود دارد که «یتفرد به» توضیح «باسناد منقطع» باشد یعنی یک قید باشد، ولی اظهر معنای اول است.

هم‌چنین شیخ طوسی رحمته در ذیل ترجمه‌ی یونس بن عبدالرحمن، همین مطلب را دوباره نقل می‌کند که مرحوم صدوق از استاد خود محمد بن الحسن الولید شنیده است که تمام کتب یونس بن عبدالرحمن صحیح است مگر آنچه که فقط از طریق محمد بن عیسی بن عبید نقل شده است. کلام شیخ طوسی در ترجمه‌ی یونس بن عبدالرحمن چنین است:

یونس بن عبد الرحمن مولی آل یقطین له کتب کثیرة اکثر من ثلاثین کتابا، و قیل إنها مثل کتب الحسین بن سعید و زیادة، و له کتاب جامع الآثار، و کتاب الشرائع، و کتاب العلل، و کتاب اختلاف الحدیث و مسائله عن أبی الحسن موسی بن جعفر علیه السلام.

شیخ طوسی رحمته می‌فرماید: یونس بن عبدالرحمن بیش از سی کتاب دارد و گفته شده که کتب ایشان مثل کتب حسین بن سعید الاهوازی و بیشتر از آن است. سپس طرق خود به جمیع کتب و روایات ایشان را ذکر می‌کند:

أخبرنا بجمیع کتبه و روایاته جماعة عن أبی جعفر بن بابویه عن محمد بن الحسن، و عن أحمد بن محمد بن الحسن عن أبیه عنه، و أخبرنا بذلك ابن أبی جید عن محمد بن الحسن عن سعد، و الحمیری، و علی بن إبراهیم، و محمد بن الحسن الصفار، کلهم عن إبراهیم بن هاشم عن إسماعیل بن مرار و صالح بن السندی عنه، و رواها أبو جعفر بن بابویه عن حمزة بن محمد العلوی، و محمد بن علی ماجیلویه عن علی بن إبراهیم عن أبیه عن إسماعیل، و صالح عنه، و أخبرنا بذلك ابن أبی

جید عن ابن الولید عن الصفار عن محمد بن عیسی بن عبید عنه.

شیخ طوسی رحمته الله در ادامه کلام مرحوم صدوق رحمته الله در استثناء روایاتی که از طریق محمد بن عیسی بن عبید وارد شده را ذکر می‌کند که شاهد ما همین عبارت است.

و قال أبو جعفر بن بابويه سمعت ابن الوليد رحمه الله يقول كتب يونس بن عبد الرحمن التي هي بالروايات كلها صحيحة يعتمد عليها إلا ما ينفرد به محمد بن عيسى بن عبيد عن يونس و لم يروه غيره فإنه لا يعتمد عليه و لا يفتى به.^۱

شیخ طوسی رحمته الله می‌فرماید: مرحوم صدوق می‌گوید از استاد خود محمد بن الحسن الولید رحمته الله شنیدم که فرمودند: کتب یونس بن عبدالرحمن که تمامش روایت است، صحیح است و بر آن اعتماد می‌شود مگر آنچه را که محمد بن عیسی بن عبید منفرداً از یونس نقل کرده و غیر ایشان نقل نکرده باشد که بر این روایات اعتماد نمی‌شود و طبق آنها فتوا داده نمی‌شود.

۲. کلام شیخ طوسی رحمته الله در الرجال

شیخ طوسی رحمته الله در الرجال در سه جا از محمد بن عیسی بن عبید صحبت کرده و در دو جا ایشان را تضعیف کرده است. در ص ۳۹۱ می‌فرماید: «محمد بن عیسی بن عبید الیقطنی، یونسی، ضعیف [علی قول القمیین]» و در ص ۴۴۸ آمده است «محمد بن عیسی الیقطنی، ضعیف».^۲

۳. کلام شیخ طوسی در الاستبصار

شیخ طوسی رحمته الله در الاستبصار در ذیل روایتی، شبیه کلمات سابق را بیان فرموده است:

عَلَى أَنَّ هَذَا الْخَبَرَ مُرْسَلٌ مُنْقَطِعٌ وَ طَرِيقُهُ مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى بْنِ عَبِيدٍ عَنْ يُونُسَ وَ هُوَ ضَعِيفٌ وَ قَدْ اسْتَثْنَاهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ بَابُوَيْهِ رَحِمَهُ اللَّهُ مِنْ جُمْلَةِ الرِّجَالِ الَّذِينَ رَوَى عَنْهُمْ صَاحِبُ نَوَادِرِ الْحِكْمَةِ وَ قَالَ مَا يَخْتَصُّ بِرِوَايَتِهِ لَأَرْوِيهِ وَ مَنْ هَذِهِ صُورَتُهُ فِي الضَّعْفِ لَأُعْتَرَضُ بِحَدِيثِهِ.^۳

اگر فقط عبارت شیخ طوسی رحمته الله در مورد محمد بن عیسی بن عبید وجود داشت، ممکن بود تضعیف

۱. الفهرست (للشیخ الطوسی)، ص ۱۸۱.

۲. هم چنین در ص ۴۰۱ آمده است: «محمد بن عیسی الیقطنی، بغدادی (بغدادی)، یونسی»

۳. الاستبصار فیما اختلف من الأخبار، ج ۳، ص ۱۵۶.

ایشان را بپذیریم، اما در دو کتاب عمده‌ی رجالی دیگر یعنی رجال کشی و رجال نجاشی، محمد بن عیسی بن عبید توثیق شده است. عبارت مرحوم کشی چنین است:

کلام مرحوم کشی در توثیق محمد بن عیسی بن عبید

مرحوم کشی رضی الله عنه در ذیل روایاتی که در مورد محمد بن سنان وارد شده، عبارتی دارد که از آن وثاقت محمد بن عیسی بن عبید استفاده می‌شود. ایشان می‌فرماید:

قَالَ أَبُو عَمْرٍو: قَدْ رَوَى عَنْهُ الْفَضْلُ وَ أَبُوهُ وَ يُونُسُ وَ مُحَمَّدُ بْنُ عِيسَى الْعَبِيدِيُّ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ابْنَا سَعِيدِ الْأَهْوَازِيِّ وَ ابْنَا دَنْدَانَ وَ أَيُّوبُ بْنُ نُوحٍ وَ غَيْرُهُمْ، مِنَ الْعُدُولِ وَ الثَّقَاتِ مِنَ أَهْلِ الْعِلْمِ، وَ كَانَ مُحَمَّدُ بْنُ سِنَانَ مَكْفُوفَ الْبَصَرِ أَعْمَى^۲ فِيمَا بَلَغَنِي^۳.

جناب کشی بعض افرادی را نام می‌برد که از محمد بن سنان نقل روایت کرده‌اند که از جمله‌ی آنها، محمد بن عیسی بن عبید است، سپس می‌فرماید «وَ غَيْرُهُمْ مِنَ الْعُدُولِ وَ الثَّقَاتِ مِنَ أَهْلِ الْعِلْمِ» و غیر این افراد از کسانی که جزء عدول و ثقات از اهل علم هستند. بنابراین چون محمد بن عیسی بن عبید یقطینی نیز جزء این افراد است، پس جناب کشی ایشان را ثقه و عادل می‌داند.

والحمد لله رب العالمین

جواد احمدی

۱. همان‌طور که می‌دانید اصل رجال کشی در اختیار ما نیست، آن‌چه به دست ما رسیده، اختیار رجال الکشی است که شیخ طوسی آن را تهذیب کرده و منتخب خود را در آن آورده است.

۲. مرحوم کشی در ذیل عبارت می‌فرماید که محمد بن سنان نابینا بوده است، در حالی که در قبل روایاتی از ایشان نقل کرده که بینا بوده و گاهی مبتلای به چشم درد می‌شده و حضرت برای استشفای او عملی انجام می‌دادند. شاید بتوان این‌گونه جمع کرد که محمد بن سنان در اواخر عمر نابینا شده است.

۳. رجال الکشی، ص ۵۰۷.